

## تحلیل و پژوهش محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس هوش های چندگانه گاردنر

سید محسن سیدی

کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد صحنه

اداره آموزش و پرورش شهرستان سنقر، آموزشگاه سایه کر سفلی

[Mohsen.seyedi946@gmail.com](mailto:Mohsen.seyedi946@gmail.com)

09390483006

### چکیده

تحلیل محتوا از روش‌های اسنادی است که به بررسی نظام مند، عینی، کمی و تعمیم پذیر پیام‌های ارتباطی می‌پردازد. این روش در دسته‌بندی روش‌ها، پنهانگر محسوب می‌شود و از آن برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌پردازد و در نتیجه وارد تاویل و نشانه‌شناسی محتوای پیام نمی‌شود. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی درباره محتوای یک پیام است. هر چند در رویکردهای اولیه، ادعا می‌شد که تحلیل محتوا می‌تواند علاوه بر محتوای پیام، به ویژگی‌های مؤلف و تأثیر بر مخاطب بپردازد، اما امروزه دو کارکرد اخیر را تنها در روش‌های تلفیقی میدانی و اسنادی امکان‌پذیر می‌دانند

توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش امری مهم و لازم اجراست، از طرفی گاردنر در بررسی هوش، با معرفی هشت مولفه برای آن تا اندازه‌ای به متفاوت بودن افراد توجه کرده است. این پژوهش به تحلیل محتوای «کتاب فارسی پایه اول ابتدایی سال ۱۳۹۹» بر اساس هوش‌های چندگانه گاردنر پرداخته است. روش مورد استفاده تحلیل محتوا، جامعه مورد بررسی کل کتاب فارسی پایه اول و واحد ثبت تجزیه و تحلیل، مضامین می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان داد که در کتاب فارسی پایه اول به هوش زبانی - کلامی با درصد فراوانی ۰۴/۲۴ بیشترین توجه و به هوش منطقی - ریاضی با درصد فراوانی ۵۱/۱ کمترین توجه شده است

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، هوش، گاردنر، فارسی، پایه اول

## مقدمه

در طول زمان دانشمندان بسیاری در پی یافتن تعریفی از هوش بودند. اما همواره در این مسیر با مشکلاتی رو به رو بودند زیرا هوش مسئله انتزاعی بوده و قابل رویت نیست و همین امر سبب میشد تا آنها نتوانند به یک تعریف واحد و دقیق از هوش برسند. «مفهوم هوش تا اندازه ای شبیه اصطلاح نیرو در فیزیک است نیرو را می توان از روی آثار آن شناخت و از این طریق حضور آن را استنباط کرد. هوش و نیرو هر دو اصطلاح هایی هستند که به شخص امکان می دهند تا درباره انواع خاصی از رویدادهای عینی بحث و بررسی کند و تعمیم دهد» (مارنات ۱۳۹۲، ۲: ۲۶۶)

نبود تعریف دقیقی از هوش سبب شد تا اغلب دانشمندان بر روی عناصری از هوش به توافق برسند. این عناصر در سه دسته قرار میگیرند که شامل توانایی پرداختن به امور انتزاعی، توانایی حل کردن مسائل و توانایی یادگیری می شود. منظور از توانایی پرداختن به امور انتزاعی این است که افراد باهوش بیشتر به امور انتزاعی مانند اندیشه ها، نمادها، روابط، مفاهیم و اصول سر و کار دارند تا امور عینی و ابزارهای مکانیکی. توانایی حل کردن مسائل یعنی توانایی پرداختن به موقعیت جدید و توانایی یادگیری بیشتر مربوط به یادگیری مفاهیم انتزاعی است از جمله انتزاعات موجود در نمادها و توانایی استفاده از آنها که این عنصر سوم را برخی از نظریه پردازان روان شناسی و پرورشی با عنوان استعداد می شناسند (سیف، ۱۳۸۸)

خداوند متعال انسانها را با ویژگی های متفاوتی آفریده است. تنها ظاهر انسان ها با هم متفاوت نیست بلکه از نظر هوشی نیز انسان ها با هم تفاوت دارند. این مسئله در آموزش به عنوان تفاوت های فردی خوانده می شود. امروزه با توجه به تفاوت های فردی یکی از مسائل مهم در آموزش به حساب می آید. از توجه به تفاوت های فردی با عنوان فرانوگرایی ۳ یا پست مدرنیسم یاد می شود. «جنبش فرانوگرایی در آموزش به مشارکت معلمان و دانش آموزان و همچنین اصل تفاوت های فردی و منعطف بودن زمان یادگیری اهمیت می دهد. فرانوگرایی یا پست مدرنیسم واکنشی به شیوه و جهان بینی مدرنیسم است. این واکنش علیه در نظر گرفتن تفاوت های فردی و تک بعدی بودن انسان است» (رحیمی و فضیلتی، ۱۳۹۵: ۸)

## مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

یکی از تفاوت های فردی که در بین همه انسان ها به وضوح مشاهده میشود تفاوت در توانایی های هوشی آنان است. همین امر سبب شد تا در گذر زمان در رابطه با هوش نظریه های متفاوتی ارائه شود. گاهی این نظریه ها، هوش را یگانه و گاهی هوش را چندگانه معرفی می کردند. دیوید وکسلر ۴ و چارلز اسپیرمن ۵ از طرفداران هوش یگانه بودند. وکسلر هوش را یک توانایی کلی می دانست که فرد را قادر به تفکر منطقی، فعالیت های او را هدفمند و در کنش متقابل با محیط میگرد. اسپیرمن نیز معتقد به شکل واحدی از

آن را نشان می داد. دلیل این افراد برای بیان هوش به عنوان ریشه یگانه یا هوش کلی این بود که  $g$  هوش بود که با حرف میان توانایی های مختلف افراد همبستگی زیادی وجود دارد (سیف، ۱۳۸۸)

در مقابل این نظریه ها، نظریاتی وجود داشت که هوش را چندگانه میدانست از جمله نظریه هوش سه جزئی استنبرگ ۶. او هوش کلی و تاثیرگذار بر هم را مشخص کرد. هوش تحلیلی یا مهارت های پردازش اطلاعات، هوش خلاق یا توانایی حل

کردن مسئله های جدید و هوش عملی یا کاربرد مهارت های عقلانی در موقعیت های زندگی. هوش تحلیلی را متشکل از عناصر پردازش اطلاعات می دانست که زیربنای تمام اعمال هوشمندانه است. از طرفی معتقد بود که تنها پردازش اطلاعات مسئله را حل نمی کند بلکه ما نیاز داریم تا فرد در موقعیت های جدید مسائل را به شیوه خلاقانه حل کند پس نیاز به هوش خلاق دارد. سرانجام اینکه هوش فعالیتی عملی است که فرد برای سازگار شدن با محیط از آن استفاده می کند به عبارتی فرد با توجه به هوش خود یا راهی برای مشکل و مسئله خود خواهد یافت و یا اینکه این راه را خواهد ساخت (برک، ۱۳۸۹)

به اعتقاد استنبرگ « افرادی را میبینیم که در تحصیلات خود موفق بوده اند و در کار و شغل شکست خورده اند، یا کسانی که در مدرسه شکست خورده اند، ولی در کار خود موفق شده اند. ما به افرادی با نمره بالا در آزمون های هوشی بر می خوریم که در تعاملات اجتماعی خود فاقد مهارت هستند و افرادی را میبینیم که نمرات پایینی در آزمون های هوشی دریافت می کنند اما در آزمونهای عملی کارآمد هستند. عامه مردم نیز بین هوش تحصیلی ۷ (یا تیزهوشی تحصیلی) و هوش عملی ۸ (آشنایی با چم و خم زندگی) تفاوت قائل هستند» (آزاد مرد و طالبی، ۱۳۹۴: ۲۰۱)

نظریه دیگر درباره هوش مربوط به گیلفورد ۹ می شود که شامل پنج عمل ذهنی، چهار محتوا و شش محصول است. عمل ذهنی شامل ارزشیابی، تولید هم گرا، تولید واگرا، حافظه و شناخت، محتوا شامل شکلی، نمادین، معنایی و رفتاری، تولید شامل واحدها، طبقه بندی ها، روابط، نظام ها، تبدیل ها و برداشت ها است (کدیور، ۱۳۸۷)

نظریه پرداز دیگری که به بررسی هوش پرداخته، هوارد گاردنر ۱۰ بود. او هوش را این گونه تعریف می کرد: توانایی حل مسائل یا ساختن چیزی با ارزش که دارای چند سازه مجزا و مستقل است (تقی زاده، رضایی، ۱۳۹۲). گاردنر معتقد بود که یک هوش وجود ندارد بلکه چندین مولفه ی هوشی بر هم اثر گذاشته و سبب ایجاد یک توانایی و خصوصیت در فرد می شود. « گوناگون بودن نقش هایی که مردم در فرهنگ های متفاوت ایفا می کنند و هر یک مبتنی بر مهارت ها و توانمندی های گوناگون است و با این همه، توفیق عمل شخص در هر یک از آن فرهنگ ها ارج و ارزش همسان دارند، گاردنر را به این اندیشه هدایت کرد.» (اتکینسون، اتکینسون و دیگران، ۱۹۰۴). او هشت نوع هوش مجزا را شناسایی کرد که شامل: زبانی یا کلامی، منطقی- ریاضی، فضایی، موسیقایی، بدنی

جنبشی، درون فردی، میان فردی و طبیعت گرایانه. هر فرد ممکن است در یکی از این هوش ها توانایی بالایی داشته باشد.

نظریه گاردنر از جمله نظریه هایی است که با تنوع ابعاد وجودی انسان همخوانی دارد و تلاش می کند تا تصویری جامع تر و واقعی تر از قابلیت ها و توانایی های انسان ارائه کند (سلطانی، ادیب و دیگران، ۱۳۹۷). از آنجا که در آموزش همواره به دنبال استفاده از بهترین نظرات هستیم، این نظریه می تواند در راستای بهبود آموزش و کمک به یادگیرندگان برای شکوفا شدن استعداد آنها باشد پس می توان در جریان تدوین محتوای کتب درسی از نظریه هوش های چندگانه گاردنر بهره برد

متن کتب درسی و محتوای آن در ارتباط مستقیم با یادگیرنده است، پس برای اینکه بدانیم از مولفه های هوشی در کتب درسی به چه نحوی استفاده شده، باید به تحلیل محتوا اقدام کنیم. از جمله دلایل اهمیت محتوای کتاب درسی در ایران می توان به این موارد اشاره کرد: معلمان بر کتاب درسی تمرکز دارند، بیشتر اهداف آموزش و پرورش از طریق کتب درسی تحقق می یابد، ارزشیابی از دانش آموزان محدود به کتاب درسی است، نظام آموزشی کشور متمرکز بوده پس یک برنامه و یک کتاب و یک ارزشیابی برای کل کشور وجود دارد، کمبود امکانات سبب شده تا نتوانند از سایر روش ها و رسانه ها برای آموزش استفاده کنند و در انتها اینکه دانش آموزان ملزم به خواندن کتاب هایی هستند که از دفتر برنامه ریزی معرفی می شود ( نیک نفس و علی

آبادی، ۱۳۹۲). از طرفی پایه اول به دلیل اینکه دروازه کودک برای ورود به دنیای علم است، بیشتر از پایه های دیگر مورد توجه قرار می گیرد. در میان کتب پایه اول، کتاب فارسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در سند تحول بنیاد نیز از آموزش مفاهیم فارسی با عنوان هدف اصلی برنامه درسی یاد شده است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۱)

به دلیل اهمیت پایه اول و بالاخص کتاب فارسی، در این پژوهش به بررسی مولفه های هوش چندگانه گاردنر در کتاب فارسی پایه اول می پردازیم

در خصوص تحلیل محتوای کتب درسی از منظر توجه به هوش های چندگانه گاردنر پژوهش هایی انجام شده است. یوسفی قصاب سرایی و خزایی (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل محتوای کتاب زیست شناسی پایه دوم متوسطه بر اساس تئوری هوش های چندگانه گاردنر» اظهار داشت که در کتاب زیست شناسی پایه دوم متوسطه بیشتر به هوش منطقی-ریاضی توجه شده و به سایر جنبه های هوش توجه کمتری شده است

در پژوهش خسروی، مصلح و زمانی (۱۳۹۴) با عنوان «تحلیل محتوای کتاب کار و فناوری پایه ششم ابتدایی بر اساس هوش های چندگانه گاردنر و میزان فعال بودن» این نتایج حاصل شد که در محتوای کتاب کار و فناوری بیشتر به هوش دیداری و کمتر به هوش موسیقیایی توجه شده است. از طرفی نیز مشخص شد که کتاب مورد نظر به شیوه ی فعالی تالیف نشده و تصاویر، دانش آموزان را درگیر نمی کند

سلطانی، ادیب، محمودی و واحدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب های فارسی دوره ی ابتدایی براساس مولفه های هوش های چندگانه: روش آنتروپی شانون» به این نتایج دست یافت: در کتب فارسی ضریب اهمیت هوش زبانی و طبیعت گرایانه (۱۱۵/۰)، هوش موسیقیایی (۱۰۳/۰)، هوش تصویری-فضایی، ریاضی-منطقی، جنبشی-بدنی، درون فردی، میان فردی و هستی گرایانه (۱۱۱/۰) بوده است، پس به مولفه های هوشی به طور متوازن توجه نشده است

لیما باتلهو (۲۰۰۳) پژوهشی برای بررسی هوش های چندگانه در کتب درسی انجام داد. او شش کتاب را بررسی کرد. نتیجه نشان داد غالب تمارین این کتاب بر اساس هوش های کلامی، درون فردی، بین فردی و فضایی بوده است

در پژوهش کشاورز لشکناری و قاضی (۱۳۹۲) با عنوان «تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی چهارم ابتدایی بر اساس هوشهای چندگانه» مشخص شد که در کتاب علوم چهارم ابتدایی بیشترین توجه به هوش های زبانی و طبیعت گرایایی و کمترین توجه نیز به هوش منطقی - ریاضی بوده است

الصالحی (۲۰۲۰) در پژوهش خود پیرامون نمایش هوش های چندگانه در کتاب علوم به این نتیجه رسید که در کتاب علوم بیشتر از هوش های کلامی، دیداری-مکانی و منطقی - ریاضی استفاده شده که شامل ۳/۷۳ درصد بوده و ۲۶/۷ درصد بین سایر هوش ها توزیع شده است

تحقیق حاضر از نوع توصیفی با روش تحلیل محتوا است. جامعه آماری کتاب فارسی پایه اول بوده و در این پژوهش نمونه گیری انجام نشده است. روش جمع آوری اطلاعات، جدول مقوله بندی شامل مولفه های زبانی یا کلامی، منطقی- ریاضی، فضایی، موسیقایی، بدنی- جنبشی، درون فردی، میان فردی و طبیعت گرایانه است

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز شمارش می باشد. واحد زمینه: کلیه متن کتاب فارسی اول ابتدایی بوده و واحد ثبت: مضامین کتاب فارسی اول ابتدایی است

برای انجام کار، کل متن کتاب فارسی پایه اول ابتدایی چاپ سال ۱۳۹۹ در نظر گرفته شده و در هر یک از قسمت های چهارگانه ی نگاره ها، نشانه های ۱، نشانه های ۲ و روانخوانی، محتوا از لحاظ پرداختن به انواع هوش مورد بررسی قرار گرفت. برای نمونه قسمت ببین و بگو به هوش زبانی کلامی، جمله ی «اگر روزی آب خانه شما قطع شود چه اتفاقی می افتد؟» به هوش منطقی- ریاضی، جمله ی «اگر بال داشتی، دلت می خواست به کجا بروی؟» به هوش فضایی، اشعار کتاب به هوش موسیقایی، قسمت های بازی و نمایش به هوش بدنی- جنبشی، پرسش «دوست داری به کدام یک از شهر های ایران سفر کنی؟» به هوش درون فردی، این پرسش که برای اینکه بزرگتر ها را خوشحال کنی، چکار می کنی؟» به هوش میان فردی، و در انتها تصویر شالیزار در درس نرنج و برنج به هوش طبیعت گرایانه پرداخته است

### یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها

در بخش نگاره ها، هر یک از مولفه های هوش چندگانه به چه میزان به کار رفته است؟

بیشترین فراوانی مربوط به مولفه ی زبانی- کلامی با درصد فراوانی ۳۶/۳۶ و کمترین فراوانی مربوط به مولفه ی منطقی- ریاضی با درصد فراوانی ۵/۱ می باشد

در بخش نشانه ها (۱) به چه میزان به هر یک از مولفه های هوش چندگانه گاردنر توجه شده است؟

میزان توجه به مولفه های هوش چندگانه گاردنر در بخش نشانه ها

بیشتر فراوانی مربوط به مولفه ی زبانی - کلامی با درصد فراوانی ۱۸/۴۳ و کمترین فراوانی مربوط به مولفه ی میان فردی با درصد فراوانی ۰ است

در بخش نشانه ها (۲) تا چه اندازه به مولفه های هوش چندگانه گاردنر پرداخته شده است؟

توجه به مولفه های هوش چندگانه در بخش نشانه ها

بیشترین میزان فراوانی مربوط به مولفه ی زبانی - کلامی با درصد فراوانی ۲۷/۴۷ و کمترین میزان فراوانی مربوط به مولفه ی منطقی - ریاضی با درصد فراوانی ۰ است

در بخش روان خوانی، مولفه های هوش چندگانه گاردنر تا چه میزان به کار رفته است

بررسی میزان توجه به مولفه های هوش چندگانه گاردنر در بخش روان خوانی

بیشترین میزان فراوانی مربوط به مولفه ی زبانی کلامی با درصد فراوانی ۳۶/۳۶ و کمترین میزان فراوانی مربوط به مولفه های منطقی - ریاضی، فضایی و بدنی- جنبشی با درصد فراوانی ۰ است

### نتیجه گیری و پیشنهاد

در راستای آموزش و پرورش اگر تلاش کنیم بر تفاوت های فردی تاکید کرده و از آنها در جهت بهبود محیط یادگیری استفاده کنیم، موفقیت بیشتری حاصل می شود. به نظر می رسد در میان نظریات مربوط به هوش، هوش های چندگانه گاردنر بیشترین توجه را به تفاوت های فردی داشته و با استفاده از آن می توان فرایند یاددهی- یادگیری را در زمینه ی مهارت های مختلف بهبود بخشید (فرامرزی، زارع و فتوت، ۱۳۹۴)

در نهایت می توان به این نتیجه رسید که در کل کتاب فارسی پایه اول به مولفه ی زبانی - کلامی با ۰۴/۲۴ درصد فراوانی بیشترین و به مولفه ی هوش منطقی - ریاضی با ۵۱/۱ درصد فراوانی کمترین توجه شده است

توجه به هوش زبانی - کلامی برای پرورش افرادی سخنران و سخندان ضروری است. اما این امر نباید باعث غفلت از سایر مولفه ها شود. توجه به هوش منطقی - ریاضی سبب پرورش کودکانی با مهارت بالا در حل مسائل می شود. شاید بتوان گفت که در کشور ما در کتب ریاضی به هوش اهمیت داده شده اما باید در نظر داشت که متن کتاب زمانی جامع است که به تمام جنبه ها توجه کند. لذا به برنامه ریزان کتاب درسی پیشنهاد می شود تا به دلیل اهمیت تمام مولفه های هوش، تلاش کنند تا به تمام آن ها به یک میزان توجه و در محتوای کتب درسی گنجانده شود

یکی از مشکلات حاضر در روند این پژوهش، نبود چک لیستی دقیق برای هوش های چندگانه بود که همین امر سبب تفاوت در یافته ها بین این تحقیق و تحقیق سلطانی و دیگران (۱۳۹۷) شد

امید است پژوهشگران در آینده به بررسی کتاب های درسی از جمله فارسی پایه اول از منظر توجه به تفاوت های فردی، فرهنگی و قومی بپردازند

اتکینسون، ریتا ال. و دیگران (۲۰۰۰). زمینه روانشناسی هیلگارد. ترجمه براهنی، محمدتقی و دیگران (۱۳۹۰). تهران: انتشارات رشد

آزادمهر، شهنام و طالبی، هوشنگ (۱۳۹۴). تاثیر برنامه آموزشی مبتنی بر هوش موفق بر بازده های شناختی و عاطفی یادگیری فصلنامه روان شناسی تربیتی، سال دوازدهم، شماره ۳۹، بهار ۹۵

برک، لورا (۲۰۰۷). روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی) جلد اول. ترجمه سید محمدی، یحیی (۱۳۸۹). تهران: نشر ارسباران  
تقی زاده، احسان و رضایی، اکبر (۱۳۹۲). روان شناسی هوش و سنجش آن. تهران: انتشارات پیام نور

خسروی، مهوش؛ مصلح، هادی و زمانی، بی بی عشرت (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب کار و فناوری پایه ششم بر اساس هوش های چندگانه گاردنر و میزان فعال بودن. آموزش پژوهی، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴  
رحیمی، سعید و فضیلتی، منصوره (۱۳۹۵). کاربرد نظریه هوش های چندگانه گاردنر در آموزش و یادگیری. رویش روان شناسی، سال پنجم، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۶، پاییز ۱۳۹۵

سلطانی، اکبر؛ ادیب، یوسف؛ محمودی، فیروز و واحدی، شهرام (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کتاب های درسی فارسی دوره ی ابتدایی بر اساس مولفه های هوش های چندگانه: روش آنتروپی شانون. نشریه علمی - پژوهشی آموزشی و ارزشیابی، سال یازدهم، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۷

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۱). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارت آموزش و پرورش. ناشر: اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی

سیف، علی اکبر (۱۳۸۸). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران

فصلنامه پیشرفتهای نوین در مدیریت آموزشی، سال اول شماره ۲، زمستان ۱۳۹۹، پیاپی ۲ تحلیل محتوای کتاب های درسی پایه اول ابتدایی بر اساس هوش های چندگانه گاردنر | ۲۵ فرامرز، سالار؛ زارع، حسین و فتوت، اعظم (۱۳۹۴). اثر بخشی برنامه ی آموزشی مبتنی بر نظریه گاردنر بر عملکرد هوش های چندگانه دانش آموزان. فصلنامه روان شناسی تربیتی، شماره ۳۶، سال یازدهم، تابستان ۹۶

کشاوری لشکناری؛ روح اله و قاضی، راضیه (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی چهارم ابتدایی بر اساس هوشهای چندگانه. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی ۷-۱ کدیور، پروین (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت

مارنات، گری گراث (۲۰۰۳). راهنمای سنجش روانی (جلد اول). ترجمه پاشا شریفی، حسن؛ نیکخو، محمدرضا (۱۳۸۹). تهران: انتشارات رشد

نیک نفس، سعید و علی آبادی، خدیجه (۱۳۹۲). نقش تحلیل محتوا در فرآیند آموزش و طراحی کتاب های درسی. مجله جهانی رسانه. دوره ۸، ۲ (۶۱)

یوسفی قصابسرایبی، مریم و خزایی، کامیان (۱۳۹۱). تحلیل محتوای کتاب زیست شناسی پایه دوم متوسطه بر اساس تئوری هوشهای چندگانه گاردنر. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی. دوره ۹، ۱ (۳۲)

Alsahhi, Ibrahim Najeh Rajeh (2020). The representation of multiple intelligences in the science textbook and the extent of awareness of science teachers at the intermediate stage of this theory.

Thinking Skills and Creativity .Volume 38, December 2020, 100706

Al-Omari, Taghrid; Bataineh, Ruba; Smadi, Oqlah. "Potential Inclusion of Multiple Intelligences in Jordanian EFL Textbooks: A Content Analysis". Bellaterra Journal of Teaching & Learning Language & Literature, [online], 2015, Vol. 8, Num. 1, pp. 60-80

Lima B. M. R., (2003). Multiple intelligences Theory in English language teaching. An analysis of current text books, materials, and teachers' perceptions. M.A. Thesis. Ohio